

ارزیابی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر جایگاه و جامعیت (با تأکید بر شادی و نشاط)

قدیر فیروزنیا^۱

عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور

چکیده

در مسیر نیل به توسعه عوامل متعددی نقش‌آفرین هستند. یکی از این عوامل وجود چشم‌انداز (با اغماض یا آرمان یا الگوی توسعه) است. بر این اساس کشورهای مختلف هر یک متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی خود تلاش نموده‌اند چشم‌انداز و افق توسعه و آینده‌ی مطلوب خود و مسیر نیل بدان را تدوین کنند. در کشورمان ایران نیز گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است. دو اقدام اساسی که در این زمینه انجام گرفته، تدوین سند چشم‌انداز توسعه و سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. با توجه به سپری شدن بخش عمده‌ی دوره‌ی زمانی سند چشم‌انداز (و به تعبیر دیگر بایگانی شدن آن) و مراحل آغازین تدوین سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به نظر می‌رسد که نقد و بررسی این سند می‌تواند بستر مناسبی را برای مشخص کردن نقاط قوت و ضعف و تکمیل آن فراهم کند. یکی از مراحل اساسی تدوین اسنادی از این دست، در معرض آرای عموم صاحب‌نظران قرار دادن و اصلاح آن و ایجاد وفاق عمومی و عزم ملی برای تحقق آن است. یکی از ویژگی‌های الگوی توسعه و سند چشم‌انداز، جایگاه قانونی و جامعیت آن است. از این رو این پژوهش بنا دارد به این پرسش اساسی پاسخ گوید که سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تا چه میزان از جایگاه و جامعیت (با تأکید بر نشاط و شادی) برخوردار است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش تحلیل محتوا و مرور منابع و اسناد استفاده شده است. نتیجه نشان داد که (تاکنون) این سند از جایگاه شایسته و جامعیت لازم در زمینه‌ی توجه به نشاط برخوردار نیست. امید است در ادامه‌ی فرایند تدوین و تکمیل این سند این نقایص برطرف شود.

کلیدواژه‌ها: الگو، چشم‌انداز، توسعه، جایگاه قانونی، جامعیت

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور تهران.



مقدمه

در فرایند توسعه و ترقی عوامل و عناصر متعددی نقش‌آفرین هستند، که هر یک به سهم خود مؤثر است و همانند حلقه‌های یک زنجیر یا چرخه‌ی تولید یک محصول بستر لازم را برای توسعه فراهم می‌کنند. فرهنگ کار و تلاش، وجود عزم ملی برای توسعه، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، نیروی انسانی، مدیریت کارا، منابع طبیعی، تجهیزات و منابع، بخش خصوصی فعال، بسترسازی برای فعالیت و کار و تلاش، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی، سازمان‌های مردم‌نهاد، حاکمیت قانون و قانون‌گرایی و مانند آن از عوامل و عناصر اساسی نیل به توسعه محسوب می‌شوند. در این بین وجود عزمی ملی برای توسعه و انتخاب مسیر مشخص و آرمانی معین در بین تمامی نااطمینانی‌های موجود و شکل‌گیری وفاق ملی برای تحقق آن می‌تواند نیروبخش و حرکت‌دهنده و محرک سایر عوامل و عناصر باشد. وجود قانون اساسی به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین و بالاترین سند وفاق ملی و همبستگی اجتماعی، می‌تواند تعیین‌کننده‌ی ساختار جامعه، مسیر قانون‌گذاری و تفکیک وظایف و فعالیت قوای متعدد، و تعیین‌کننده‌ی حد و مرزهای اساسی فعالیت بخش‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در جامعه باشد. بعد از قانون اساسی وجود آرمان‌ها و اهداف مشترک برای آینده که تمامی آحاد مردم روی آن وفاق و اتحاد نظر داشته باشند، جزو ضروریات توسعه محسوب می‌شود. سند چشم‌انداز یک سند بالادستی مبنای حرکت و فعالیت اکثر کشورهای جهان برای دستیابی به آینده‌ی مورد علاقه‌ی خود است. به عبارت دیگر، کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، و سیاسی، آینده‌ی دلخواه خود را (عمدتاً با عنوان چشم‌انداز) ترسیم و زمینه‌ی ایجاد آن را فراهم کنند.

در کشورمان نیز به تاسی از این حرکت جهانی، سند چشم‌انداز توسعه تدوین و از سوی بالاترین مقام رسمی کشور (مقام معظم رهبری) برای اجرا ابلاغ شد. ولی متأسفانه این سند بعد از مدت کوتاهی با بی‌مهری مواجه و به بایگانی تاریخ سپرده شد. پس از آن (بدون واکاوی علل به فراموشی سپردن سند چشم‌انداز و نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف آن) سرمایه‌گذاری عظیمی برای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آغاز شد. اینک پس از چند سال تلاش، نخستین محصول این حرکت با نام سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تدوین شده و در معرض رؤیت عموم قرار گرفته است. نقد و ارزیابی این سند و اصلاح آن و تبدیل آن به سندی که اکثریت مردم روی آن وفاق داشته باشند، می‌تواند بسترساز حرکت جامعه به سمت توسعه باشد.

یک سند چشم‌انداز خوب (الگوی توسعه) باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشد (که در متن مقاله به برخی از آن‌ها اشاره شده است). برخی از این ویژگی‌ها الزامی و برخی در حد کفایت است. دو ویژگی اساسی این الگو جامعیت و دیگر جایگاه قانونی است. اگر در نظام برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری جایگاه قانونی مشخصی برای الگوی معین نشده باشد، امکان اجرای الگو (هرچند الگو به‌خوبی تدوین شده باشد) میسر نیست. ویژگی دوم به محتوای الگو مرتبط است. یک الگوی خوب باید تمامی ابعاد توسعه و نیازهای مردم را در بر داشته باشد. انسان علاوه بر نیازهای اساسی و اولیه، به نیازهای روحی و معنوی از جمله آزادی و شادی و نشاط نیازمند است. به‌گونه‌ای که برخی صاحب‌نظران اظهار داشته‌اند که «طول عمر و سواد ممکن است که در یک زندان مرتب و سازمان‌یافته نسبتاً بالا باشد». نیازهای اولیه فیزیکی به بهترین شکل در باغ‌وحش برآورده می‌شوند (پیت، ۱۳۸۴: ۲۰؛ نقل از استرترین).

با توجه به نکات فوق، نقد و بررسی سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از دو منظر جایگاه قانونی (در نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور) و جامعیت آن از منظر میزان توجه به شادی و نشاط جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. در این پژوهش تلاش می‌شود در حد وسع به این مسئله پرداخته شود.

از نظر روش‌شناسی تدوین سند چشم‌انداز^۱ و ملاحظه‌ی فرایند تدوین سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نشان می‌دهد (که هم‌اکنون در مرحله‌ی ششم تدوین چشم‌انداز قرار دارد) اعلام عمومی و نظرخواهی عمومی قرار دارد. هرچند تاکنون هیچ‌گونه سازوکار مدونی برای اخذ نظر مردم و به‌ویژه صاحب‌نظران تدوین و اعلام نشده است. و حتی هیچ‌گونه تبلیغی در رسانه‌های گروهی برای جذب توجه مردم مشاهده نشده است.

از این رو، این پژوهش تلاش دارد که از فرصت برگزاری این همایش استفاده کند و با نگاهی نقادانه از منظر جایگاه (در نظام سلسله‌مراتب قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی) و جامعیت (صرفاً با رویکرد توجه به نشاط و شادی جامعه) این سند را بررسی و نقاط قوت و ضعف آن را آشکار کند. بر این اساس تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ دهد که سند اسلامی-

۱. روش تدوین سند چشم‌انداز توسعه (فیروزنیا، ۱۳۸۸: ۱۲). ۲. تشکیل کمیته‌ی تدوین سند چشم‌انداز؛ ۳. ترسیم روند تحول جامعه با بهره‌گیری از روش ترسیم خط زمان؛ ۴. شناخت توانمندی و ظرفیت‌های توسعه؛ ۵. شناسایی محدودیت‌ها و تنگناهای موجود؛ ۶. ترسیم پیش‌نویس سند چشم‌انداز توسط کمیته‌ی برنامه‌ریزی؛ ۷. اعلام عمومی پیش‌نویس سند چشم‌انداز و دریافت پیشنهاد‌های اصلاحی آحاد مردم؛ ۸. بازنگری و تدوین نهایی سند چشم‌انداز؛ ۹. برگزاری مراسم جشن تدوین چشم‌انداز.



ایرانی پیشرفت از چه جایگاهی در نظام برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور برخوردار بوده و تا چه میزان از جامعیت لازم به عنوان یک سند فرادستی برخوردار است؟

مبانی مفهومی و نظری

مفهوم شادی

شادی «حالتی عاطفی و متمایز از غرایز و هیجانات به دلیل غیر دینامیک بودن» (غلامی، ۱۳۹۷؛ به نقل از هدفیلد، ۱۳۷۴:۱۴۵) و یکی از نیازمندی‌های انسان معاصر است و نقش بسیار مثبتی در رسیدن به موفقیت دارد (همان، ۱ و ۲). بررسی ادبیات مربوط نشان می‌دهد که شادی و غم (که به نظر لازم و ملزوم هم هستند و مثل شب و روز به یکدیگر وابسته‌اند) به دو دسته‌ی حقیقی و مجازی، یا محمود و مذموم طبقه‌بندی شده است (شفیع صفاری و دیگری، ۱۳۹۲:۱۶۱؛ صادقی حسن‌آبادی، ۱۳۷۶:۸۷).

ملاحظه‌ی اسناد و مدارک تاریخ کهن ایران نشان می‌دهد که ایرانیان از دیرباز برای شادی اهمیت قائل بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در بند نخست کتیبه‌ای که از داریوش در شوش به دست آمده، درج شده است که «بغ بزرگ است اهورامزدا که این جهان را آفرید، که آن جهان را آفرید، که مردم را آفرید، و شادی را برای مردم آفرید» (باقری خلیلی، ۱۳۸۶:۵۴؛ به نقل از رستگار فسایی، ۱۳۸۱). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این کتیبه ارزش بسیار بالایی برای شادی در نظر گرفته شده است. به‌گونه‌ای که آفرینش شادی معادل آفرینش دو جهان و انسان تلقی شده است. علاوه بر آن، در دین زرتشت تکلیف شاد بودن و نشاط داشتن از واجبات دینی است و اندوه از مشخصه‌ی اهریمن است. و تمام اعیاد مذهبی همراه با ضیافت، سرود، پای کوبی و بسیاری آداب و رسوم لطیف و ظریف دیگر بوده است (همان، ۵۷). انواع جشن‌ها و مراسم‌ها که امروزه از برخی از آن‌ها صرفاً نامی باقی مانده، می‌تواند مؤید جایگاه شادی در ایران کهن باشد.

هر کسی در این جهان به چیزی شاد است، اما شادی واقعی شادی‌ای است که از درون انسان نشئت می‌گیرد و اثر و نشان روح را با خود دارد. شادی حس مثبت درونی است که از دل انسان سرچشمه می‌گیرد. وقتی انسان نسبت به حوادث اطراف خود احساس آرامش و سرور می‌کند، می‌توان این حالت را تعبیر به شادی نمود (محمدی آسیابادی، ۱۳۸۸:۱۲۶). وی به نقل از ناصرخسرو بیان می‌کند که ناصرخسرو شادی را جوهر عقل معرفی می‌کند و می‌نویسد: «و دلیل بر آنکه جوهر عقل شادی است، آن است که ثبات شادی به زوال جهل آمده است، و زوال جهل آمده به علم است. پس پدید آمد بدین مقدمات برهانی که ثبات شادی به علم است،

و علم فعل عقل است و نیز از جمله‌ی حیوانات جز مردم را - که او را نفس عاقل است - خنده نیست» (همان، ۱۲۸؛ به نقل از ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۱۱۷).

جالب اینجاست که همسو با تعریف ناصر خسرو از شادی، یکی از ارزش‌های ایرانی و یکی از نشانه‌های حکمت ایران کهن خردورزی است. این خردورزی در بعد عاطفی منجر به شادی و طلب زندگی شادمانه و آسودگی در دو جهان می‌گردد (عروج‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۳). در حکمت ایرانی بر آبادانی جهان، راستی و نیکوکاری تأکید فراوان شده است. اما همه‌ی این‌ها بر محور خردورزی و در جهت شادمانی سامان یافته است. از منظر این حکمت، شادی خردمندانه‌ترین حال یا کیفیت روانی در این عالم است و خرد خود نیز انسان را به زندگی شاد و آسوده رهنمون می‌سازد. در این حکمت کهن ایرانی، خرد مرکز و شادی مقصود و سعادت نتیجه‌ی آن در دو جهان است. راستی و نیکی نیز مهم‌ترین و مرکزی‌ترین فضیلت‌های اخلاقی این حکمت‌اند و در سه اصل پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک خلاصه می‌شوند که همراه آبادانی زمین از عوامل شادی منتج به سعادت به شمار می‌آیند (همان، ۲۴). نکته‌ی جالب در این حکمت این است که این شادی صرفاً به انسان تعلق نداشته و زمین شاد و ناشاد نیز وجود دارد که اعمال نیک و بد انسان‌ها در شادی و ناشادی آن‌ها تأثیر دارد. بدین‌سان زندگی و حیات در این جهان باید برای همه‌ی موجودات همراه با شادی و آسایش باشد. شادی زمین در نگهداری آن از آفات، کاشتن گیاه، میوه و غله، اقامت پارسای راست‌گفتار، آسودن حیوانات در آن و نیز نیکی رساندن از طریق زمین به دیگران است. زمین ناشاد نیز به خلاف آن است. زمینی که مرد مقدس و نیکی را در آن بکشند یا در آن شیون و مویه کنند، سبب ناشادی آن می‌گردد (همان، ۲۵ و ۲۶؛ به نقل از اوستا و نندیداد فراگرد سوم، ۶۷۵/۲، ۶۸۲ و ۶۸۱).

نجم‌الدین رازی ظهور شادی را وقتی می‌داند که همه‌ی صفات ذمیمه از دل پاک شده و بارگاه دل «جمال صمدیت را شاید، بلکه مشروقه‌ی آفتاب جمال احدیت را زبید» (همان، ۱۲۸؛ به نقل از نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰۷).

شلدون و لیمبومیرسکی مدل جدیدی در باب عوامل تعیین‌کننده‌ی شادی ارائه کرده‌اند. آنان این عوامل را سه قسمت کرده‌اند: ۱. نقطه‌ی شروع ثابت (آمادگی و استعداد ذاتی و ژنتیکی)؛ ۲. شرایط (وضعیت اقتصادی و اجتماعی)؛ ۳. کنش‌های عمدی (فرایندهای تلاش‌مدار و مقصودنگر زندگی فرد که شامل جنبه‌های شناختی مانند داشتن نگرش‌های مثبت و کمال‌گرایی است و جنبه‌های رفتاری مانند ابراز علاقه به دیگران و ورزش کردن و جنبه‌ها و خواسته‌های ارادی یعنی تعیین و دنبال کردن اهداف شخصی معنی‌دار. پس شادی رابطه‌ی



تنگانگی با هدف‌گرایی دارد و هدف‌گرایی بیشتر تحت تأثیر کنش‌های عمدی است (شفیع صفاری و دیگری، ۱۳۹۲:۱۶۲).

دغدغه‌ی اصلی روانشناسان در مواجهه با شادی، پاسخ به این پرسش است که شادی امری عاطفی است یا شناختی. تأکید بر بعد عاطفی شادی آن را هیجان مثبتی که «مستقیم و بی‌واسطه» تجربه می‌شود معرفی می‌کند (کوهستانی، ۱۳۸۹:۱۱۹؛ جوکار، ۱۳۸۶:۴۳). بر این اساس شادی به مفاهیمی مانند لذت، خوشی، خوشحالی و سرور نزدیک می‌شود. در مقابل، بعد شناختی بر قضاوت فرد از کلیت زندگی خود دلالت می‌کند و آن را به مفهوم رضایت از زندگی نزدیک می‌کند (همانجا؛ به نقل از زمانی، ۱۳۸۷). دعوای نظری پیرامون این چالش باعث توجه روانشناسان به هر دو بعد شناختی و عاطفی شادی شده است. نهایتاً وفاق علمی بر سر این موضوع شکل گرفت که شادی از سه عنصر عاطفه‌ی مثبت، فقدان عاطفه‌ی منفی و رضایت از زندگی تشکیل شده است (هاشمی، ۱۳۸۷:۹۵؛ به نقل از روجاس، ۲۰۰۵).

شادی و اهمیت توجه به آن

یکی از نیازهای انسان شادی و نشاط است. انسان با نشاط در اجتماع انسانی کارا، مولد و سازنده‌تر از بقیه هستند. بر همین اساس در کشورهای پیشرفته برنامه‌های اجباری گذران اوقات فراغت و مسافرت برای کارکنان پیش‌بینی شده است. شادمانی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است و از این رو می‌تواند نقشی سرعت‌دهنده در فرایند توسعه‌ی جامعه داشته باشد. بررسی جایگاه شادی در قرآن کریم نشان داده است که خداوند سبحان به این نیاز بشری نیز توجه لازم را مبذول داشته است. به گونه‌ای که بر اساس تحقیقات انجام‌شده، ۲۵ مرتبه در قرآن کریم از مفهوم شادی استفاده شده است (مرادی نوکندی، ۱۳۹۱:۳۶).

ملاحظه‌ی سیره‌ی معصومین و به‌ویژه حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نشان می‌دهد که این بزرگواران به ارزش و اهمیت شادی توجه داشته و نه تنها خود سعی بر شاد نمودن مردم داشته‌اند، بلکه دیگران را نیز به این امر تشویق کرده‌اند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «السرورُ یبسط النفس و یثیر النشاط»؛ یعنی شادی باعث انبساط روح و ایجاد وجد و نشاط می‌شود (زینی ملک‌آباد و دیگری، ۵۲؛ به نقل از محمدی ری‌شهری). یا در حدیثی از امام صادق (ع) به نقل از حضرت رسول اکرم (ص) آمده که «من سرتی مؤمناً فقد سرتی و من سرتی فقد سرّ الله»؛ یعنی هر کس مؤمنی را شاد کند، من را شاد نموده و هر کس من را شاد کند، خداوند را شاد کرده است (همان، ۵۲). یا همسو با تعریفی که ناصرخسرو

از شادی ارائه داده است، حدیث دیگری از امام صادق نقل شده که شادی را جزو لشکریان عقل و حزن را جزو لشکریان جهل دانسته‌اند (همان، ۵۴). یا حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه نخستین ویژگی مؤمن را گشاده‌رویی و شاد بودن در برخورد با دیگران ذکر نموده است. «المؤمن بشره فی وجه و حزنه فی قلبه». مقام شادی و تمسک بدان در سیره و رفتار این امام آن‌قدر رفیع بوده است که نقل است یکی از ضعف‌های علی (ع) برای تصدی مقام خلافت از نظر خلیفه‌ی دوم، خوش‌مشربی این بزرگوار بوده است. یا در حدیث دیگری از امام رضا (ع) نقل شده که تفریح و سرگرمی لذت‌بخش، شما را در اداره‌ی زندگی یاری می‌کند و در امور دنیوی خویش موفق‌تر خواهید شد. ملاحظه‌ی سیره‌ی معصومین نشان‌دهنده‌ی میزان اهمیت و ارزشی است که برای شادی و نشاط در جامعه اهمیت قائل بوده‌اند و خود همواره تلاش می‌کرده‌اند که زمینه‌ی شادی و سرور مردم را فراهم کنند.

در ادبیات علمی و تجارب بشری نیز برای شادی ارزش بی‌شماری بیان شده است. به عنوان نمونه، اینگلهارت (۱۳۷۳) در زمینه‌ی اهمیت شادی اظهار می‌دارد که سطح پایین رضایت از زندگی و احساس خوشبختی، به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه می‌انجامد و دوره‌های طولانی برآورده نشدن آرزوها و انتظارات موجب ظهور نگرش‌های بدبینانه‌ای می‌شود که این بدبینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۴).

جایگاه شادی در ایران

در ادبیات علمی تصریح شده که ایرانیان مجال کمتری برای بروز شادی و شرکت در شادمانی‌های جمعی دارند. از نظر بسیاری از دانشگاہیان در حوزه‌های جامعه‌شناسی (به عنوان مثال چلبی، ۱۳۸۷: ۵۳؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۸: ۲۴) و روانشناسی (میرزا، ۱۳۸۷: ۸؛ قاسم‌زاده، ۱۳۹۰)، و نیز از نظر برخی مقامات سیاسی (قاسمی، ۱۳۸۸؛ خوش‌چهره، ۱۳۸۹: ۱)، ایرانیان از رفتارهای شاد و نشاط‌آور محروم‌اند و فقدان شادی‌های جمعی یکی از محرومیت‌های اجتماعی مهم ایرانیان معاصر به شمار می‌آید (محدثی گیلوایی و دیگری، ۱۳۹۲: ۹۷). یا آنجا که شفיעی کدکنی در قالب شعری زیبا این وضعیت را به تصویر می‌کشد:

طفلی به نام شادی دیری است گم شده است

با چشم‌های روشن براق

با گیسویی بلند به بالای آرزو

هر کس از او نشانی دارد ما را کند خبر

این هم نشان ما



یک سو خلیج فارس

سوی دگر خزر^۱

و به تعبیری روح حاکم بر جامعه‌ی ما با شادی سازگاری ندارد. و به شادی و به‌ویژه شادی‌های جمعی توجه درخوری انجام نمی‌گیرد.

یک نظرسنجی که توسط مؤسسه‌ی گالوپ در سال ۲۰۱۳ انجام شده، حاکی از آن بود که ایرانیان دومین مردم ناشاد در دنیا هستند. بنا بر گزارش منتشرشده از این نظرسنجی، عراق نخستین کشور جهان در این فهرست است. بعد از عراق و ایران، کشورهای مصر، یونان و سوریه قرار دارند.

بر اساس آخرین گزارش منتشرشده مؤسسه‌ی بررسی ارزش‌های جهان^۲ که مؤسسه‌ای غیرانتفاعی است، وضعیت ایران با عدد حدود ۵/۶ در کنار سایر کشورها در زمره‌ی کشورهای ناشاد است.

آخرین گزارش مؤسسه‌ی گالوپ، منتشرشده در ۲۰۱۶، نیز که به سنجش حس افراد در مورد زندگی‌شان پرداخته، از دو شاخص برای سنجش استفاده کرده است؛ شاخص تجارب مثبت و شاخص تجارب منفی. شاخص تجربه‌ی مثبت نشان‌دهنده‌ی داشتن تجربه‌ی خوب و شاد برای فرد، و شاخص تجارب منفی نشان‌دهنده‌ی داشتن تجربه‌ی بد و ناشاد است.

ایران در کلیه‌ی سال‌های گزارش مربوط در بین ۱۵ کشور دارای بدترین تجارب است و در سه دوره‌ی آخر گزارش دومین کشور بد و در سال ۲۰۱۲ بدترین کشور از این لحاظ بوده است. طبق آخرین گزارش شادکامی در جهان، در سال ۲۰۱۶ نیز ایران رتبه‌ی ۱۰۵ را در بین ۱۵۷ کشور داراست. بر این اساس، لزوم پرداختن به عواملی که سبب افزایش میزان رضایتمندی افراد از زندگی‌شان شود، در ایران بسیار ضروری است (سایت خبرگزاری ایرنا، ۹۷/۱۱/۳۰، ساعت ۱۶:۱۱). از این رو هر نوع سند توسعه باید بتواند به تمامی نیازهای مشروع مردم پاسخ گوید. بدون شک یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها که نقش بسیار مهمی می‌تواند در مسیر نیل به توسعه ایفا نماید، شادی و نشاط است. نیازی که هم می‌تواند بسترساز

۱. در این زمینه واکنش یاسر میرزایی، دبیر گروه اندیشه‌ی دنیای اقتصاد (سایت روزنامه‌ی دنیای اقتصاد، ۹۷/۱۱/۳۰، ساعت ۱۵:۵۸) به مطالبی که در هنگام پخش شعر کدکنی در فضای مجازی نوشته شده، جالب است. وی در واکنش به یادداشت یکی از کاربران که نوشته بود این طفل پیدا شده، بر طفل بودن شادی تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، اگر بپذیریم که شادی نیز وجود دارد، این شادی مثل طفل است و هنوز به مرحله‌ی بلوغ نرسیده است.

توسعه‌یافتگی باشد و هم محصول توسعه‌یافتگی. از همین رو شایسته است که سند اسلامی - ایرانی پیشرفت به طور شایسته و بایسته به این نیاز توجه کند.

دیدگاه‌ها

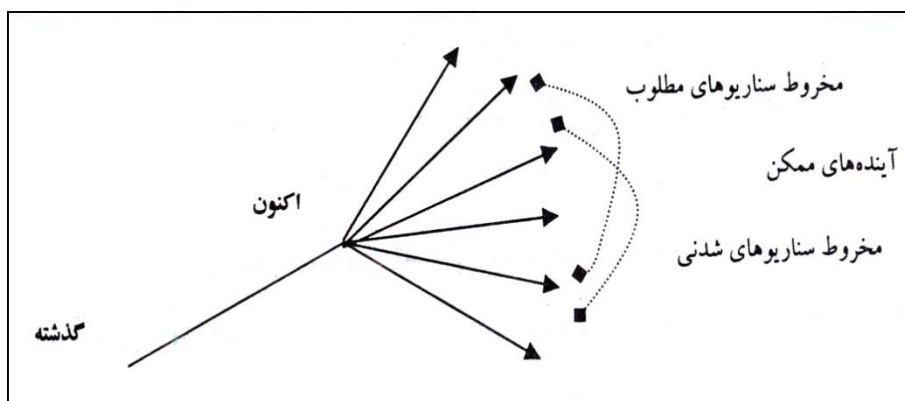
در چند دهه‌ی اخیر نظریه‌ی جهت‌گیری هدف^۱ (نیکلز، ۱۹۸۴؛ ماهر، ۱۹۸۴؛ دوویک، ۱۹۸۶؛ آیمز ۱۹۹۲) به عنوان یکی از دیدگاه‌های مهم در زمینه‌ی انگیزش پیشرفت (در علم روانشناسی) پدیدار شده است. مفهوم جهت‌گیری هدف نشان‌دهنده‌ی الگوی منسجمی از باورها، اسنادها و هیجانات فرد است که سبب می‌شود فرد به طرق مختلف به موقعیت‌ها گرایش پیدا کند و در آن زمینه به فعالیت بپردازد (کهولت و دیگری، ۱۳۹۱: ۸۲). پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که هدف‌گرایی، پیامدهای شناختی و هیجانی و انگیزشی در افراد دارد. به عبارت دیگر، جهت‌گیری هدف افراد هم عملکرد آن‌ها و هم رضایت و احساس شادی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ۸۲).

از این رو انسان همواره سعی می‌کند با شناخت آینده مسیر بهتری برای زندگی خود جستجو کند. این حس کنجکاوی از زمان‌های دور به صور مختلف از جمله طالع‌بینی، جادو، کمک گرفتن از علم نجوم، خرافات و مانند آن بروز یافته است. در دهه‌های اخیر هم‌زمان با توسعه و پیشرفت علوم، شناخت آینده‌های ممکن و ارائه‌ی تصویری از آینده‌ی مورد انتظار تحت عنوان ترسیم چشم‌انداز، آینده‌نگری، آینده‌شناسی و مانند آن به صورت علمی مطرح شده و انسان‌ها نه‌تنها به دنبال شناخت آینده هستند، بلکه در تلاش‌اند آینده‌ی دلخواه خود را بسازند. بنابراین تلاش انسان‌ها نه‌تنها برای شناخت آینده یا آینده‌های ممکن متمرکز شده، بلکه برای تحقق آینده‌ی دلخواه و مورد علاقه‌اش در حال تلاش و کوشش است. این کوشش در قالب اسنادی همچون سند چشم‌انداز، آرمان، اسناد ۲۰۲۰، ۲۰۳۰ یا ۲۰۵۰ و برنامه‌های بلندمدت توسعه در کشورهای مختلف تدوین شده و در اغلب کشورهای جهان به اجرا درآمده است. در این مسیر نوعی رقابت آشکار و پنهان بین کشورها بروز کرده است.

با ملاحظه‌ی ادبیات مرتبط با چشم‌انداز می‌توان اظهار داشت که چشم‌انداز تصویری آرمانی از آینده‌ی واقع‌گرایانه، محقق‌الوقوع و جذاب است (فیروزنیا، ۱۳۸۸: ۲). بدیهی است که وضعیت کنونی هر جامعه نتیجه‌ی تحولاتی است که از گذشته تا هم‌اکنون در جامعه رخ داده است. بر همین اساس، وضعیت آینده نیز نتیجه‌ی تحولات کنونی و نوع نگاه و اقداماتی است که



انسان‌ها از هم‌اکنون بدان می‌پردازند. بر این اساس، یک گزینه برای آینده وجود نداشته و گزینه‌های متفاوتی برای آینده قابل تصور است (شکل ۱). تدوین چشم‌انداز انتخاب بهترین گزینه از بین گزینه‌های ممکن است. با انتخاب بهترین گزینه، تدوین‌کنندگان چشم‌انداز در آینده ایستاده و شرایط تحقق آن را فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، تدوین چشم‌انداز این امکان را فراهم می‌آورد که با شناخت عوامل تأثیرگذار بر فرایند تحولات جامعه و ایجاد تغییر در آن‌ها زمینه برای تحقق گزینه مطلوب فراهم شود.



شکل ۱: مخروط توسعه (آینده‌های شدنی و محتمل). منبع: توفیق، ۴۲۷.

از آنجا که چشم‌انداز تصویری از آینده است، با آینده و روش‌های پیش‌بینی و علوم مرتبط با آن همچون آینده‌نگری ارتباط تنگاتنگ دارد. معمولاً دو نوع چشم‌انداز یا دو تعریف از آن متصور است: یکی اینکه چشم‌انداز بر اساس پیش‌بینی تدوین شود. پیش‌بینی یعنی در زمان حال بتوان آینده را ترسیم کرد. به این ترتیب که امکانات و ظرفیت‌های موجود بررسی می‌شود و با توجه به آن‌ها آینده‌ای تصویر می‌شود که به آن آینده چشم‌انداز گفته می‌شود. در روش دوم - که آینده‌نگری یا رویکرد آینده‌نگری در تدوین چشم‌انداز است - ما در آینده ایستاده‌ایم و به منظور حل نارسایی‌های حال، برای رسیدن به چنین آینده‌ای می‌اندیشیم. بر این اساس چشم‌انداز تصویر ذهنی است از چگونگی بودن در آینده، این تصویر یک تصویر پویاست. چشم‌انداز یک هدف مشترک ملی برای آینده‌ی بهتر، زیباتر و جذاب‌تر است (اعرابی و دیگران، ۱۳۸۵).

آینده‌نگری از زمان کنونی آغاز شده، به زمان کنونی هم ختم می‌شود. پس گام نخست در

آینده‌نگری تحلیل وضع کنونی است. اما زمانی هم می‌رسد که باید به آینده پرداخت؛ آینده‌ای که محتوم، اجتناب‌ناپذیر و همچون گذشته یکی نیست. زیرا چنان که گفتیم، در آینده‌نگری آینده‌های گوناگونی مجسم شده. آینده‌ی دلخواه و البته در عین حال شدنی از میان آن‌ها برگزیده می‌شود (توفیق، ۱۳۸۵: ۴۲۹).

یک چشم‌انداز خوب باید حتی‌المقدور دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱. پابرجا باشد؛ ۲. واقع‌بینانه باشد؛ ۳. چارچوب و توصیف‌های خوب و مناسب داشته باشد؛ ۴. تعالی‌طلبانه باشد؛ ۵. خلاق باشد؛ ۶. مناسب و درخور باشد؛ ۷. در برابر تغییر انعطاف‌پذیر باشد؛ ۸. به منظور پیشگیری از تفاسیر گوناگون در سطوح مختلف بیان ساده‌ای داشته باشد؛ ۹. با حداقل کلمات بیان شده و تنها به نکات کلیدی پرداخته شود؛ ۱۰. حاصل مشارکت تمامی ذی‌نفعان باشد؛ ۱۱. جامع باشد؛ ۱۲. از جایگاه قانونی مناسب برای اجرا برخوردار باشد (بخشی، ۱۳۸۶).

مفهوم الگو

درباره‌ی رابطه‌ی الگو و مدل باید گفت که اصطلاح انگلیسی «pattern» توسط جامعه‌شناسان فرانسوی به شکل «model» به کار گرفته می‌شود (روشه، ۱۳۷۹: ۴۴). و در بسیاری از موارد و طبق نظر اکثر جامعه‌شناسان این دو واژه در یک معنی به کار می‌روند.

برخی بین این دو تفاوت‌هایی قائل شده و گفته‌اند که واژه‌ی «model» کمی پیچیده‌تر از واژه‌ی «pattern» است (مندارس، ۱۳۴۹: ۲۱۰). واژه‌ی «pattern» بیشتر به «ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت» توجه دارد و طرح ساده‌شده‌ای است که خطوط اساسی یک مجموعه‌ی اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آن‌ها را مشخص می‌کند (همان، ۳۷۰). واژه‌ی «pattern» برای ساده‌تر و قابل فهم کردن پدیده‌ها به تنظیم عناصر آن پدیده و ایجاد نظمی در آن‌ها می‌پردازد و آن را به شکل یک طرح منطقی و یک پیکره درمی‌آورد (توسلی، ۱۳۷۶: ۱۴۲) و به‌نوعی یک ابزار توصیف‌کننده است.

برخی از صاحب‌نظران هیچ‌گونه تفاوتی بین نظریه و الگو قائل نیستند و بیشتر آن‌ها را با یکدیگر به کار می‌برند یا بدون تمایز به جای یکدیگر استعمال می‌کنند. در حالی که تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. در حقیقت نظریه بدون ارجاع به الگو به شکل بی‌واسطه و مستقیم پدیده‌ها را تبیین می‌کند، در حالی که الگوها از طریق تشابه به شناخت واقعیت کمک می‌کنند. پس الگو بدین دلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد که عنصر مشابهت را برجسته می‌کند و بدین‌سان درک روشن‌تری از شباهت میان واقعیت و مدل ذهنی فراهم می‌سازد. الگوی یک شیء برحسب تعریف، عین آن نیست؛ بلکه چیز دیگری است که به شیء مورد نظر شباهت



دارد. با این تعبیر، الگو مترادف با مدل است. در علوم اجتماعی نیز الگوهایی بر اساس واقعیت می‌سازند و سپس روی میزان تطبیق آن الگو با واقعیت بحث می‌کنند. مثلاً انسان اقتصادی. یا مثال تشبیه تطور اجتماعی با تطور زیست‌شناسی (توسلی، ۱۳۷۶: ۳۰ و ۳۱).

در برخی منابع الگو مترادف راهبرد در نظر گرفته شده است. بر این اساس راهبرد یک برنامه، یک جهت، یک راهنما، یا مجموعه عملیاتی است که در آینده انجام می‌گیرد، یا یک مسیر از اینجا به آنجا است. راهبرد یک الگوست که رفتار آن در طول زمان ثابت می‌ماند. اما راهبرد به عنوان یک برنامه با راهبرد به عنوان یک الگو دارای تفاوت‌های ساختاری است.

راهبرد به عنوان یک برنامه، نگاه رو به جلوست. راهبرد به عنوان یک الگو، نگاه به رفتار گذشته است. البته به نظر می‌رسد هر دو تعریف و نگاه ارزشمند باشند؛ زیرا افراد و سازمان‌ها برای آینده‌ی خود طرح می‌ریزند و نیز الگوها را از گذشته‌ی خود استخراج می‌کنند. به بیانی دیگر، راهبرد یک راه کلی است که موجب تغییرات ساختاری و رفتاری می‌شود (مؤسسه‌ی جغرافیای دانشگاه تهران، برنامه‌ی راهبردی توسعه‌ی کالبدی روستایی، ۱۳۸۷، فصل ششم).

آنچه به عنوان الگو در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ملحوظ است، الگو به مفهوم بسیار وسیع، وضع مطلوب (آرمان، ارزش‌ها، مدل و راهبرد و مسیر توسعه) و راه رسیدن بدان است. به تعبیر دیگر، در این سند الگو معادل اسوه (مشی و راه و مسیری برای پیروی و رسیدن به هدف یا مقصود خاص) به کار گرفته شده است.

روش‌شناسی

همان‌طور که ملاحظه شد، هدف از تدوین این اثر بررسی جایگاه و جامعیت سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است و برای این منظور تلاش شده با استفاده از رویکرد اکتشافی و به‌کارگیری روش تحلیل محتوا، سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دو جنبه‌ی جایگاه و جامعیت (با تأکید بر یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها، یعنی شادی) نقد و بررسی شود و نقاط قوت و ضعف آن آشکار و در ادامه راهکارهای پیشنهادی برای اصلاح این سند ارائه شود.

یافته‌های تحقیق

با ملاحظه‌ی نقادانه به سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، آنچه در نگاه اول به ذهن متبادر می‌شود، دو چالش در مورد نام‌گذاری این سند است؛ نخست عدم استفاده از عنوان «چشم‌انداز»، و دوم استفاده از کلمه‌ی «پیشرفت» به جای «توسعه» که در اکثر کشورهای

جهان متداول است و در ادبیات علمی ایران نیز پذیرفته شده است. در مورد چالش دوم توضیحاتی توسط دست‌اندرکاران بیان شده است، ولی به نظر می‌رسد که هنوز نتوانسته اقلان‌کننده باشد. اما در خصوص چالش نخست تاکنون هیچ‌گونه توضیحی ارائه نشده است. مرور و نقد و بررسی چالش دوم در حیطه‌ی این بحث نمی‌گنجد و بنا نیست که این سند از تمامی ابعاد مورد بررسی قرار گیرد. اما چالش نخست به نوعی مرتبط با جایگاه سند اسلامی - ایرانی پیشرفت است و از منظر آسیب‌شناسی بدان توجه خواهد شد. با عنایت به مباحث فوق، در ادامه ویژگی‌های سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دو منظر جایگاه و جامعیت مورد کنکاش قرار گرفته است.

جایگاه سند اسلامی - ایرانی پیشرفت

یکی از عوامل مؤثر بر اجرای هر نوع سند توسعه، جایگاه قانونی آن سند است. معمولاً در اکثر کشورهای جهان که اقدام به تدوین سند چشم‌انداز نموده‌اند، برای این سند جایگاهی رفیع در نظر گرفته‌اند. به‌گونه‌ای که این سند جزو یکی از اسناد الزام‌آور محسوب شده و تمامی قوا، سازمان‌ها و نهادهای دولتی، خصوصی و عمومی و مردم‌نهاد، خود را ملزم به اجرای آن دانسته و می‌دانند. از این رو معمولاً این سند بعد از قانون اساسی بالاترین سند الزام‌آور است و برای تحقق آن عزم ملی ایجاد می‌شود.

ملاحظه‌ی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نشان می‌دهد که در این زمینه هیچ‌گونه پیش‌بینی‌ای صورت نپذیرفته است. به‌ویژه اینکه در تدوین این سند تجربه‌ی گذشته در زمینه‌ی تدوین سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۱۴۰۴ کاملاً نادیده گرفته شده است. اگر گذشته را چراغ راه آینده در نظر بگیریم، همگان استحضار دارند که سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۱۴۰۴ با بی‌مهری عمدی (دوره‌ی دولت نهم و دهم) و ناچاری (بحران تحریم - دوره‌ی دولت یازدهم و دوازدهم -) مواجه شده و به نظر می‌رسد که یکی از پیش‌زمینه‌های اکمال سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بررسی علل عدم توفیق و تحقق سند چشم‌انداز و تدوین جایگاه مشخص برای این سند در نظام برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و اجرا باشد. هرچند به نظر می‌رسد تدوین و اجرای این سند برای زمانی است که در شرایط عادی و غیربحرانی قرار داشته و بسترهای لازم برای پیشرفت و توسعه فراهم باشد. اما لازمه‌ی اجرای هرگونه سند توسعه، تحقق عزم ملی و بسیج همگانی در آن راستاست و بدون پیش‌بینی جایگاه مشخص و مدون برای اسناد مذکور این بستر به وجود نمی‌آید.



برای رفع این چالش دو راهکار پیشنهاد می‌شود: نخست استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و اشاعه و پخش سند در بین عموم و به‌ویژه صاحب‌نظران و پیش‌بینی سازوکار معین و تشویقی برای اعلام نظرات اصلاحی برای تکمیل و ارتقای سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. دوم پیش‌بینی سازوکار قانونی برای تعبیه‌ی جایگاه مستحکم قانونی برای سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و همین‌طور پیش‌بینی سازوکار نظارت و ارزیابی برای اندازه‌گیری میزان تحقق سند مذکور و پیش‌بینی سازوکار مدون تشویقی و تنبیهی برای اجرا و عدم اجرای سند.

جامعیت سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با تأکید بر شادی و نشاط

ملاحظه‌ی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نشان می‌دهد که در اجزا و عناصر این سند شادی و کلماتی که می‌توانند به‌نوعی این مفهوم را به ذهن متبادر نمایند، به کار گرفته نشده‌اند. به عبارت دقیق‌تر، در این زمینه توجه درخوری به مفهوم شادی و نشاط نشده است. و صرفاً در انتهای افق سند مذکور برخورداری از «آرامش» در کنار امنیت، آسایش، سلامت و امید به زندگی ذکر شده است. و بر آن است که در این زمینه‌ها در سطح برتر جهانی باشد. در بند نخست افق سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت ذکر شده است که «تا سال ۱۴۴۴ مردم ایران از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند» (ص ۸). بدون شک این آرامش و آسایش و سلامت و امید به زندگی در شرایط کنونی مستلزم به‌کارگیری رویکرد خردمندانانه در تدوین تمامی برنامه‌های توسعه از جمله توسعه‌ی برنامه‌های آرامش‌آفرین و شادی‌آفرین است.

در ذیل تدابیر شاید بتوان با ذره‌بین مواردی را که به‌نوعی با شادی مرتبط هستند شناسایی و از آن به توجه به شادی تعبیر کرد. یکی از این بندها، بند ۹ است که در آن به «تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی - ایرانی سالم و خانواده‌محور با تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده و ارتقای فرهنگ سلامت در همه‌ی ابعاد» اشاره شده است. با وجود این، سندی در این سطح باید به‌گونه‌ای نوشته شده باشد که نیازمند تفسیر نباشد، ولی می‌توان شادی را جزئی از سبک زندگی ایرانی - اسلامی سالم محسوب کرد.

در بند ۳۷ نیز می‌توان استنباط کرد که غیرمستقیم به شادی به عنوان یکی از عناصر ارتقای سلامت توجه شده است؛ «همکاری بین بخشی و مشارکت نظام‌مند مردمی در ارتقای سلامت با اولویت پیشگیری و کنترل عوامل تهدیدکننده». و بر همین اساس در بند ۳۹، «اعتلا و تقویت و ترویج دانش بومی در حوزه‌ی سلامت مبتنی بر شواهد متقن علمی».



تجربه‌ی گذشته در زمینه‌ی تدوین سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۱۴۰۴ کاملاً نادیده گرفته شده است. لذا به نظر می‌رسد که یکی از پیش‌زمینه‌های اکمال سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بررسی علل عدم توفیق و تحقق سند چشم‌انداز و تدوین جایگاه مشخص برای این سند در نظام برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و اجرا باشد. هرچند به نظر می‌رسد که تدوین و اجرای این سند برای زمانی است که در شرایط عادی و غیربحرانی قرار داشته و بسترهای لازم برای پیشرفت و توسعه فراهم باشد. اما لازمه‌ی اجرای هرگونه سند توسعه، تحقق عزم ملی و بسیج همگانی در آن راستاست و بدون پیش‌بینی جایگاه مشخص و مدون برای اسناد مذکور این بستر به وجود نمی‌آید.

با عنایت به مباحث فوق، پیشنهادهای زیر برای ارتقای سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارائه می‌شود.

۱. توجه به تجارب بین‌المللی و ملی در زمینه‌ی تدوین اسناد بلندمدت توسعه؛
۲. نقد و بررسی علل عدم تحقق سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۱۴۰۴؛
۳. بسترسازی برای بهره‌گیری از فضای مجازی برای اخذ نظر مردم و به‌ویژه صاحب‌نظران برای اصلاح سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، با در نظر گرفتن محرک‌های انگیزشی؛
۴. توجه درخور و شایسته به مسئله‌ی شادی در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
۵. تعبیه‌ی جایگاه مستحکم قانونی برای سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
۶. پیش‌بینی سازوکار نظارت و ارزیابی برای اندازه‌گیری میزان تحقق سند مذکور؛
۷. پیش‌بینی سازوکار مدون برای تضمین اجرای سند؛
۸. نقد و بررسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از سایر ابعاد همچون میزان توجه به «حقوق اقلیت‌های دینی»، «انسجام ملی» و مانند آن.

منابع

- اینگلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، انتشارات کویر، تهران: ۱۳۷۳
- باقری خلیلی، علی اکبر، «شادی در فرهنگ و ادب ایرانی»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، شماره‌ی پیاپی ۳۰، سال هشتم، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۸۶، صص ۸۰-۵۳.
- باصری، احمد، «نقش توسعه‌ی شادی و نشاط در افزایش روحیه‌ی حماسی»، فصلنامه‌ی روانشناسی نظامی، سال اول، شماره‌ی دوم. تابستان ۱۳۸۹، صص ۷۱-۶۱.

- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سمت، تهران: ۱۳۷۶
- پیت، ریچارد؛ الین هارت، ویک، نظریه‌های توسعه، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان پور، نشر لویه، تهران: ۱۳۹۰
- جوکار، بهرام، «رابطه‌ی هدف‌گرایی و شادی»، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال دوم، شماره‌ی پنج، بهار ۱۳۸۶، صص ۵۹-۴۱.
- چلبی، مسعود؛ موسوی، سید محسن، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان»، مجله‌ی جامعه‌شناختی ایران، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱ و ۲، ۱۳۷۸
- خارستانی، اسماعیل؛ سیفی، فاطمه، «نقش شادی و نشاط در سبک زندگی اسلامی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیستم، شماره‌ی چهار، (پیاپی ۱۰۳)، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۲۶-۱۰۷.
- روشه، گی، کنش اجتماعی، ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹
- زینی ملک‌آباد، هادی؛ نیل‌ساز، نصرت، «جایگاه شادی و نشاط در روایات»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال اول، شماره‌ی ۱، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۸-۵۰.
- کهولت، نعیمه؛ جوکار، بهرام، «ارائه‌ی مدل علی برای شادی بر اساس ابعاد هویت با واسطه‌ی جهت‌گیری هدف»، فصلنامه‌ی دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۲، پیاپی ۴۸، تابستان ۱۳۹۱، صص ۹۴-۸۱.
- شفیع صفاری، محمد؛ شهرامی، محمدباقر، «غم و شادی عرفانی و کیفیت آن در دیوان سنایی»، پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال یازدهم، شماره‌ی بیستم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۸۰-۱۶۱.
- صادقی حسن‌آبادی، مجید، «غم و شادی در تجربه‌ی دینی مولوی»، مجله‌ی علمی - پژوهشی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره‌ی دوم، شماره‌ی چهل‌ونهم، تابستان ۱۳۸۶، صص ۹۰-۷۵.
- فیروزنیا، قدیر، «رهنمودهایی برای تدوین چشم‌انداز توسعه»، دومین همایش جغرافیایی دانشگاه پیام نور، مهرماه ۱۳۸۸، ارومیه.
- فیروزنیا، قدیر، «چشم‌انداز توسعه‌ی کالبدی روستاهای کشور»، اولین همایش ملی مسکن و توسعه‌ی کالبدی روستایی، مهرماه ۱۳۸۸، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- عروج‌نیا، پروانه، «شادی در حکمت قدیم ایران و تأثیر آن در ایران اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۳۹-۲۳.



- غلامی، مجاهد، «نظریه‌ی شادی مولانا در فیه ما فیه»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال دوازدهم، شماره‌ی اول، پایب ۳۶، بهار ۱۳۹۷، صص ۲۰-۱.
- محدثی گیلوایی؛ الهام قربانی ساوجیف «شادی و گرایش‌های دینی در ایران پس از انقلاب»، فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی/ایران، سال سوم، شماره‌ی هشتم، بهار ۱۳۹۲، صص ۹۵-۱۲۰.
- محمدی آسیابادی، علی؛ علی‌پور، زهرا، «شادی و خوشدلی نزد شمس»، پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره‌ی سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۴۸-۱۲۵.
- مرادی نوکندی، محمدحسین، «چیستی و ماهیت شادی در قرآن و روایات و راهکارهایی برای شاد زیستن»، حبل‌المتین، شماره‌ی ۱، سال اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۶۲-۳۵.
- مؤسسه‌ی جغرافیای دانشگاه تهران، برنامه‌ی راهبردی توسعه‌ی کالبدی روستایی، به سفارش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
- مندارس، هانری، مبانی جامعه‌شناسی، باقر پرهام، امیرکبیر، تهران: ۱۳۴۹.
- هاشمی، سید ضیاء و دیگران، «از شادی تا نشاط، شادی در ساختار معنایی حاکم بر نظام آموزشی»، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۲۰۴-۱۸۳.